

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

قسم است

دل شده مایل. خوبان و به خوبان قسم است
فکر و اندیشه جانان و به جانان قسم است
تار و پودم به خدا سوخت، ز برق نگاهش
مرهم و زخمی. پیکان و به پیکان قسم است
تا که افتاد، به محراب جمالش نظرم
بیربُود از کفم ایمان و به ایمان قسم است
آخر از نعره تکبیر. قیامش به جهان
ز اذان کمر شده اذان و به اذان قسم است
سر تسلیم و رضا، در قدمش بهر. فدا
آرزوی همه قربان و به قربان قسم است
شربت وصل چشیدم ز جمال صنمی
که شدم کافر. قرآن و به قرآن قسم است
بعد ازین مسجد و دیر و به کلیسا نروم
زانکه از حلقه مستان و به مستان قسم است

حال در معبدِ عشاق که بدنام شدم
نکسُلم رشتۀ پیمان و به پیمان قسم است
بی کس و کوی ، که افتاده به غربتکده ای
مؤنسِ جان ، غمِ هجران و به هجران قسم است
به خدا این غمِ هجران ، عوض می نکم
به دولک حوری و غلمان و به غلمان قسم است
لایقِ هر کس و ناکس نشود سوزشِ عشق
عاشقان یکسره سوزان و به سوزان قسم است
« نعمتا » ، خاکِ ره آنکه شدی خادمِ او
بکشم سرمه به چشمان و به چشمان قسم است

(نهم اکتوبر 2002)